

## ب. تولیت و نصب

### تتبع

در پیوند با مشروعیت یا عدم مشروعیت نصب غیر مجتهد (با فرض داشتن سایر شرایط) از سوی مجتهد جامع شرایط برای قضا در عصر غیبت، در گذشته به مناسبت، بیان‌هایی از موافقان و مخالفان نقل کردیم، لکن مجال بالاستقلال طرح گفته‌ها، مجال حاضر است. از این رو - البته با رعایت اختصار - می‌گوییم:

از موافقان نصب، فقیه نجفی است. ایشان با این که اجتهاد را در عصر غیبت شرط نمی‌داند، لکن می‌فرماید:

«قد يقال بتوقف صحة ذلك على الاذن منهم - عليهم السلام -» سپس به ادله‌ای اشاره می‌کند که دلالت بر این توقف می‌کند. وی در ادامه از وقوع چنین اذنی از حجت معصوم - علیه السلام - خبر می‌دهد. ایشان در ادامه به جواز نصب غیر فقیه از سوی فقیه در عصر غیبت اشاره می‌کند، بنابر این که معصومین - علیهم السلام - به غیر فقیه اذن عام نداده باشند و خروجی تحقیق خود را این می‌داند:

«ان للمجتهد نصب مقلده للقضاء بين الناس بفتاواه، فيكون حكمه حكم مجتهده و حكم مجتهده حكمهم و حكمهم حكم الله تعالى شأنه...»<sup>1</sup>

بنابراین مطابق رأی ایشان:

1. اجتهاد مصطلح در قاضی شرط نیست.
2. غیر مجتهد نصب عام دارد.
3. بر فرض عدم ثبوت نصب عام، فقیه حق نصب غیر مجتهد را دارد.

واضح است که هر دو گزینه، مخالفان جدی دارد. نسبت به شرطیت اجتهاد، قبلاً بالاستقلال و با تفصیل صحبت شد و نسبت به نصب هم گفته شده:

«ان اثبات جوازه يتوقف على أمرين: احدهما ان يكون النصب جائزا في حق الامام - عليه السلام - و الثاني ان يجوز للمجتهد كل ما يجوز للامام - عليه السلام - و كلاهما ممنوعان: اما الاول: فلان جواز نصبه - عليه السلام - موقوف على شرعية قضاء المقلد؛ اذ لو لا ذلك لم يجز للامام - عليه السلام - نصبه للقضاء؛ لانه لا يأذن في غير المشروع و من هنا يعلم ان القول بان الامام على - عليه السلام - له ان يطلق نساء المؤمنين مع القول بان الطلاق بيد من اخذ بالساق و انه مشروط عند الله تعالى برضاء الزوج غلط فاحش و ان كان النبي و خلفاؤه - صلوات الله عليهم - اولى بالمؤمنين من انفسهم في جميع الامور بنص الآية الشريفة: \*وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّ لَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَى اللّٰهُ وَّرَسُولُهُ اَمْرًا اَنْ يَكُوْنَ لَهُمْ اَلْخِيَرَةُ\* الآية. و اما الثاني اعني ثبوت الولاية العامة للمجتهد - بحيث يجوز له كل ما يجوز للامام - فمبنى على النظر في ادلة ولاية الحاكم. و نقول هنا اجمالا: ان الظاهر المستفاد من النظر في مجموع تلك الادلة هو قيام الرواة و العلماء و الفقهاء و الحكام مقام النبي و الوصي - صلوات الله عليهما - في الامور الثابتة لهم - عليهم السلام - من حيث النبوة و الرسالة لا مطلق الامور الثابتة لهم و لو من حيثية اخرى راجعه الى خصائصهم ...»<sup>2</sup>

1. جواهر الكلام، ج40، صص 17. 19.

2. كتاب القضاء للمحقق الرشتي، ج1، صص 48. 50.

## نقد اجمالی

در تحقیق فوق ملاحظاتی قابل ذکر است؛ مثل:

1. از کریمه مورد اشاره در متن فوق اولویت حجت معصوم - علیه السلام - بر مردم در همه امور ایشان استفاده نمی‌شود! آن چه مدلول آیه است این است که هرگاه خداوند و رسول امری را انتخاب و داوری کنند، بر مردم متابعت لازم است؛ اما حوزه داوری کجاست؟ در آیه ذکر نشده است. البته در خارج میدانیم که خداوند متعال مالک علی‌الاطلاق بندگان و امور ایشان است؛ چنان که حجت معصوم - علیه السلام - اگر در موردی ورود نمایند، کشف آئی از جواز ورود و لزوم متابعت دیگران می‌کند، لکن بحث در حوزه ورود است که آیه متعرض آن نیست و از این حیث در مقام بیان نیست تا استفاده محقق رشتی قابل دفاع بنماید.
2. از مواردی که به حیثیت رسالت رسول و ولایت ولی بر میگردد، حیث قضا است؛ بنابراین اگر ثابت شود که فقیه جانشین حجت معصوم «من حیث النبوة و الرسالة و الولاية» است، مراد مورد نظر ثابت می‌شود و انکار محقق رشتی از این جهت، قابل مناقشه می‌نماید. و قضا چنان چه متعلق به شان نبوت و رسالت نباشد مسلماً متعلق به شان ولایت است که فقیه جانشین معصوم علیه السلام در اینباره است.

## تحقیق در مساله

گر چه اهمیت مساله می‌طلبید که تتبع بیشتری در مساله صورت پذیرد، لکن با توجه به نقل برخی گفته‌ها در این پیوند در گذشته و روشن شدن مبانی بحث، دامنه تتبع را جمع کرده به تحقیق در مساله می‌پردازیم؛ بدین قرار:

1. با انکار شرطیت اجتهاد در قاضی و شرعیت قضای غیر مجتهد، نصب فقیه از این جهت که اعطای ولایتی به غیر جامع شرایط شود، قهراً بی‌معنا خواهد بود. لکن انکار شرطیت اجتهاد مستلزم جواز قضای مقلد بدون اعطای حق قضاوت از صاحب حق اعطا نیست. بدون تردید - چنان که صاحب جواهر بیان فرمود و آن را مستند به اسنادی از شریعت نمود - اقتضای ادله از نقل و عقل این است که قاضی باید از صاحب نصب، منصوب باشد.